

گزارش «وطن امروز» درباره آمار پنتاگون از هزینه‌های غیرمنتظره ۴ ماه ابتدایی جنگ علیه ایران

سیاه‌چاله ۵۰ میلیارد دلاری

صفحه ۴

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

آرامکو به ۲ پالایشگاه اروپایی گفته است ماه آینده نفت خامی دریافت نخواهند کرد

آتش بر صادرات نفت سعودی

صفحه ۳

| ۱۹۲۲ سال و ۳۹ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL. 18 | NO. 4712 | SAT. SEP. 19, 2026 | ISSN: 2008-2886

شبهه | ۲۸ شهریور ۱۴۰۵ | ۷ ربيع الثانی ۱۴۴۸ | ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۷۱۲ | صفحه ۲۰ هزار تومان

رزمایش ۳۱۳ هزار نفری جان‌فدای ایران با حضور پرشور اقشار مختلف مردم پایتخت برگزار شد

جانم فدای می‌پهن

صفحه ۲



گزارش «وطن امروز» از پیامدهای حمله به خط لوله شرق به غرب عربستان و تولد گلوگاه‌های جدید انرژی

شکست دورزدن هر مز

همان گزارش، برنت ۳،۴ درصد افزایش یافت و از سطح ۱۰۸ دلار در هر بشکه گذشت. خبرگزاری رویترز نیز ۱۵ سپتامبر از افزایش قیمت برخی محموله‌های فیزیکی نفت در اروپا به بالای ۱۳۰ دلار خبر داد، در حالی که قیمت برنت به ۱۱۰ دلار رسیده بود. این تفاوت میان قیمت قراردادهای آتی و محموله‌های فیزیکی، نشانه‌ای از فشار بر نفت قابل تحویل در کوتاهمدت است. نکته مهم‌تر از خود قیمت‌ها، محدودیت ظرفیت جایگزینی است. اگر بازار جهانی بتواند نفت از دست‌رفته را به‌سرعت از مسیرهای دیگر تأمین کند، شوک قیمت محدودتر خواهد بود. در مقابل، اگر ذخایر، ظرفیت مازاد تولید، بنادر و مسیرهای انتقال هم‌زمان تحت فشار باشند، یک حمله محدود به زیرساخت می‌تواند اثر بزرگ‌تری پیدا کند.

گزارش ۱۶ سپتامبر ۲۵/ شهریور خبرگزاری انگلیسی رویترز از افزایش عرضه محموله‌های نفت عربستان از طریق بندر صحر عمان و کاهش نسبی قیمت برنت به ۱۰۸ دلار خبر داد. این تحول نشان می‌دهد انعطاف در مسیرهای انتقال می‌تواند بخشی از فشار را کاهش دهد اما خود نیاز به استفاده از مسیرهای دیگر، اهمیت شبکه‌های جایگزین را برجسته می‌کند.

در اینجا باید میان ۲ موضوع تفاوت گذاشت: نخست، توان عربستان برای بازگرداندن خط لوله به مدار؛ دوم، توان بازار برای جبران نفتی که بر اثر اختلال از مسیر اصلی خارج شده است. شبکه الجزیره قطر گزارش داده بود در حمله‌ای به یک ایستگاه پمپاژ در آوریل، ظرفیت خط به ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت و عربستان اعلام کرد ۳ روز بعد آن را تعمیر کرده اما درباره آسیب‌های اخیر، زمان بازگشت کامل ظرفیت روشن نیست و برآوردهای منتشرشده از چند روز تا چند هفته متفاوت است. بنابراین آنچه اکنون اهمیت دارد نه پیش‌بینی قطعی مدت تعطیلی، بلکه این واقعیت است که امنیت انرژی به ظرفیت ترمیم و انعطاف عملیاتی نیز وابسته است.

■ **جنگ زیرساخت‌ها: از میدان نبرد تا زنجیره انتقال**
در دهه‌های گذشته، تحلیل امنیت انرژی غالباً بر حفاظت از میادین نفتی، پالایشگاه‌ها و پایانه‌های صادراتی متمرکز بود اما تجربه حملات اخیر در منطقه

تولیزئون الجزیره قطر در ۱۲ سپتامبر، این خط در ماه‌های اخیر ۴ تا ۵ میلیون بشکه در روز نفت جابه‌جا می‌کرد؛ یعنی معادل ۵ درصد عرضه جهانی نفت. همین ارقام نشان می‌دهد چرا تعطیلی آن فقط یک حادثه داخلی عربستان نیست، بلکه می‌تواند بر بازار جهانی انرژی اثر بگذارد. بااین حال، اهمیت راهبردی خط لوله در یک تناقض نهفته است: هرچه نقش آن در دور زدن هرمز بیشتر شود، تمرکز جریان انرژی بر آن نیز اهمیت بیشتری می‌یابد. اگر صادراتی که پیش‌تر از مسیر دریایی عبور می‌کرد، اکنون به یک خط لوله زمینی، مجموعه‌ای از ایستگاه‌های پمپاژ و یک پایانه دریای سرخ وابسته شود، آسیب‌پذیری از بین نمی‌رود، بلکه به مجموعه‌ای جدید از نقاط حساس منتقل می‌شود. گزارش رویترز در ۱۵ سپتامبر از کاهش محموله‌های نفت عربستان به اروپا پس از حملات و جست‌وجوی خریداران برای منابع جایگزین خبر داد. این تحول، نشان می‌دهد در اقتصاد انرژی، ظرفیت اسمی یک مسیر با توان واقعی آن برای حفظ جریان صادرات در شرایط بحران تفاوت دارد.

از این منظر، عنوان «هرمز دوم هم بسته شد؟» یک هشدار درباره خطای محاسباتی در طراحی زیرساخت‌های راهبردی است. مسیر جایگزین، زمانی واقعاً جایگزین است که در صورت آسیب دیدن یک بخش، کل شبکه از کار نیفتد. اگر یک خط لوله بزرگ، یک بندر و یک مسیر دریایی مشخص، حلقه‌های اصلی یک زنجیره باشند، امنیت انرژی همچنان به آسیب‌پذیری همان زنجیره وابسته خواهد بود. این نکته، فراتر از بحث عربستان، پرسشی برای تمام کشورهای صادرکننده انرژی در منطقه ایجاد می‌کند: آیا باید به دنبال خط لوله بزرگ‌تر بود یا شبکه‌ای متنوع‌تر که در آن هیچ نقطه واحدی نتواند جریان انرژی را متوقف کند؟

■ **تصویر بزرگ‌تری که عده‌های نفتی نشان می‌دهد**
بازار نفت در روزهای اخیر به‌خوبی نشان داده چگونه یک اختلال زیرساختی می‌تواند به بحران ژئوپلیتیک تبدیل شود. گزارش روزنامه انگلیسی گاردین در ۱۴ سپتامبر، با استناد به تصاویر ماهواره‌ای و برآوردهای بازار، از آسیب شدید به یکی از تأسیسات خط لوله و احتمال اختلال در انتقال چند میلیون بشکه نفت خبر داد. در

یادداشت
رضا رحمتی

وقتی یک کشور برای دور زدن یک گلوگاه دریایی، خط لوله‌ای به طول ۱۲۰۰ کیلومتر در دل سرزمین خود می‌کشد، در واقع فقط نفت را جابه‌جا نمی‌کند، بخشی از جغرافیای قدرت را نیز بازطراحی می‌کند. خط لوله شرق - غرب عربستان، از میدان‌های نفتی شرق آن کشور به بندر ینبع در دریای سرخ، دقیقاً با چنین منطقی ساخته شده بود: نفتی که پیش‌تر برای رسیدن به بازارهای جهانی به مسیر خلیج فارس و تنگه هرمز وابسته بود، از خشکی عبور کند و از دریای سرخ به مقصد برسد! اما حملات ۱۰ سپتامبر و تعطیلی موقت این خط، پرسشی فراتر از امنیت یک تأسیسات نفتی را پیش روی منطقه گذاشت: در معماری جدید جنگ و انرژی، گلوگاه‌ها فقط از دریا به خشکی منتقل می‌شوند؟

پرسش «هرمز دوم هم بسته شد؟» از همین نقطه آغاز شد؛ نه به معنای یکسان بودن تنگه هرمز و خط لوله، بلکه به عنوان یک پرسش درباره آسیب‌پذیری مسیرهای جایگزین. اگر یک مسیر جدید، بخش بزرگی از جریان انرژی را در خود متمرکز کند، ممکن است به جای حذف ریسک، شکل تازه‌ای از ریسک را ایجاد کند. در این میان، اهمیت موضوع برای ایران فقط در محاسبه قیمت نفت یا میزان صادرات عربستان خلاصه نمی‌شود. مساله بزرگ‌تر، تغییر ارزش ژئوپلیتیک مسیرهای انتقال انرژی، نقش زیرساخت‌ها در بازاندازی اقتصادی و امکان ظهور معماری‌های جدیدی است که در آن، قدرت از کنترل یک نقطه به توانایی حفظ جریان در سراسر یک شبکه منتقل می‌شود.

■ **وقتی مسیر جایگزین، خود به گلوگاه تبدیل می‌شود**
خط لوله شرق - غرب عربستان که با نام «پترولین» نیز شناخته می‌شود، در شرایط عادی یکی از مهم‌ترین ابزارهای ریاض برای کاهش وابستگی صادرات نفت به هرمز است. این خط، نفت میدان‌های شرق عربستان را به ینبع در ساحل دریای سرخ می‌رساند؛ مسیری که به تفکث‌ها اجازه می‌دهد بدون عبور از هرمز به شبکه صادراتی دریای سرخ دسترسی یابند. بر اساس گزارش

تیت‌رهای امروز



روسیه و چین پیش‌نویس قطعنامه ضدایرانی آمریکا را در نشست شورای امنیت و تو کردند

سیلی شرق به ترامپ

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از اتهام کذب عربستان به انصارالله درباره حمله به مکه و مدینه

باز خوانی اباحه‌گری محمد بن سلمان علیه میانی اسلام

خادمین دیسکو

صفحه ۲

چتم‌هاوس: بعید است نظم خلیج فارس به وضعیت پیش از جنگ بازگردد

مختصات نظم ایرانی

نگاه
مهدی حسینی

بحث‌ها در جهان دیگر بر سر این مساله در نمی‌گیرد که آیا نظم آمریکایی در منطقه خلیج فارس فرو خواهد‌پاشید یا نه، بلکه پرسش محوری آن است که در وضعیت تزلزل این نظم به دلیل دست بالای ایران در جنگ رمضان، چه منظمی جایگزین ساختار آمریکایی خواهد شد؟ همین پرسش، محور یک گزارش تفصیلی در اندیشکده بسیار قدیمی و معتبر چتم هاوس بریتانیا شده است.

به باور این اندیشکده، بعدها در آینده تاریخ روابط، احتمالاً از جنگ آمریکا علیه ایران به عنوان مبدأ فروپاشی نظم آمریکایی در خلیج فارس یاد می‌شود: «نظم‌های منطقه‌ای به ندرت یک‌شبه فرومی‌پاشند؛ معمولاً این نظم‌ها به‌تدریج فرسوده می‌شوند. جنگ انتخابی آمریکا و اسرائیل علیه ایران ممکن است در نهایت نه فقط به دلیل نتایج آن، بلکه به عنوان چالشی برای بنیان‌های «نظم آمریکایی» در خلیج فارس به یاد آورده شود؛ منظمی که پس از پایان جنگ سرد بر برتری آمریکا استوار شده بود».

به نوشته چتم هاوس، جنگ وضعیت منطقه را به نحوی تغییر داد که بعید است دیگر به پیش از آن بازگردد و اولین نمود این تغییر را می‌توان در مساله حضور نظامی آمریکا دید: «اهمیت بلندمدت این جنگ نه فقط در نتیجه آن در میدان نبرد، بلکه در بازآرایی‌های منطقه‌ای است که به جریان انداخته و بعید است نظم خلیج فارس در دوره پیش از جنگ بار دیگر احیا شود. احتمالاً واشنگتن معماری امنیتی خود در خلیج فارس را بازطراحی خواهد کرد. این معماری که بر استقرار نیروهای پیشرو، پایگاه‌های بزرگ و برتری متعارف نظامی بنا شده بود، آسیب‌پذیرتر از آن چیزی نشان داد که انتظار می‌رفت. بیش از ۱۲ پایگاه آمریکا آسیب‌های قابل توجهی متحمل شدند. ایران نشان داد توانمندی‌های نامتقارن کم‌هزینه می‌تواند از سامانه‌های پیشرفته دفاع هوایی عبور کند و خسارت‌های نامتناسب و باورنکردنی وارد کند. از این رو، احتمالاً واشنگتن به سمت اتکا بر تعداد کمتری از پایگاه‌های کمتر قابل مشاهده، استقرارهای پراکنده، توانمندی‌های حمله دقیق، دفاع موشکی و استفاده از هوش مصنوعی حرکت خواهد کرد؛ در حالی که برتری نظامی متعارف خود را حفظ می‌کند».

ادامه در صفحه ۲